



حمیدرضا شافی

نقش سلیقه در بحران موسیقی

ورنه با سمنی و عمل باغ چنان این همه نیست
این نکته به هیچ روی سمنی، تلاش و ممارست
برای صیقل خوردن گوهر هنر در وجود آدمی
نیست.

پس چه کار باید کرد؟ هنری که مورد توجه
مردم قرار می گیرد شرط لازم برای موفقیت یک اثر
هنری است اما شرط کافی نیست.

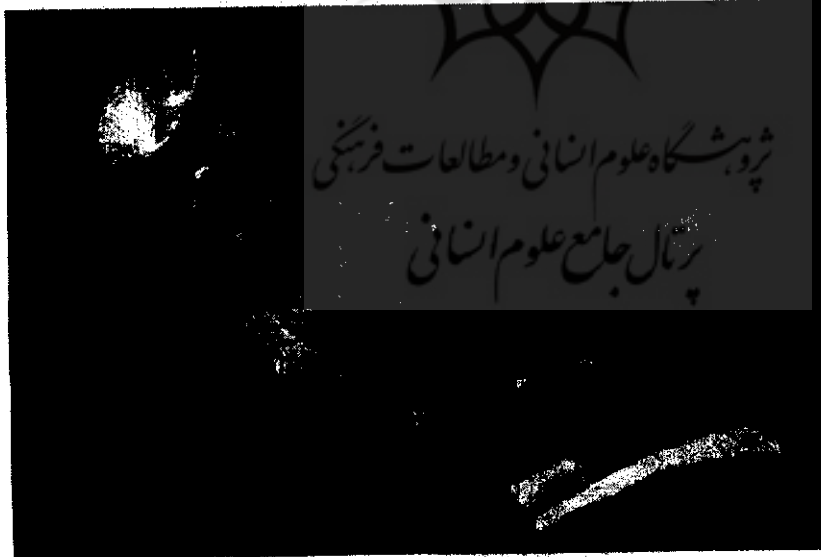
بخصوص در موسیقی این امر بارها به تجربه
ثابت شده است که حتی آثار بسیار سخیف و

نتیجه اعمال سلیقه و گرایش های شخصی نباشد.
حتماً شنیده اید که در مقاطع خاصی از سه دهه
گذشته بعضی از خوانندگان و نوازندگان ایرانی با
اقبال گسترده مردمی مواجه شده اند. اما در نظر
خواص و کارشناسان موسیقی کار آنها مقبول
واقع نشده است و یا بالعکس بسیاری از خواص،
استادان و موسیقی دانان مجرب در گمنامی و بدون
مقبولیت عمومی زندگی شان سپری شده است.
این جمله معروف در بین اهالی هنر جاری و

موسیقی به لحاظ ماهیت انتزاعی و مجرد
بودنش به عنوان یکی از هنرهای ویژه که مشحون
از مسایل و نکات ظریف و گاه جاشیه ای است
شناخته شده است.

می گویند شنیدن موسیقی، درک و دریافت
لحظات و فراز و فرودهای آن سلیقه ای است. این
گفته هم درست است و هم نادرست....

موسیقی به عنوان محصول و تولیدی که
نتیجه و فرآیندی از دانش، اندیشه و تکنیک است
باید به هدف خود که رسیدن به مخاطبان و
مشفقان آثار شنیداری است برسد. حال این
شنونده است که با توجه به ذائقه و سلیقه خود
نسبت به اینگونه آثار واکنش نشان می دهد.
اساساً صدور این فتوی که 'موسیقی' سلیقه ای
است از همین جا ناشی می شود. در حقیقت این
شنوندگان هستند که باید نسبت به یک اثر
موسیقایی موضع گیری کنند و آن را قبول یا رد
نمایند. تا این جای کار ظاهر آروندی منطقی اتفاق
می افتد و بر اصل همان نیمه درست بودن این
واقع است اما تمام حقیقت نیست. شاید بتوان این
موضوع را در خصوص نیازهای فیزیکی نظیر
پوشاک، اهدیه، مسکن و... تعمیم داد و
مصرف کنندگان را شاخص های اصلی تغییر
تولیدات دانست اما همانطور که در آغاز این مقاله
اشاره شد موسیقی، هنری انتزاعی و خاص است که
بدین لحاظ نمی توان آن را حتی با دیگر هنرها
مقایسه کرد.



ساربی است که : هنر باید محبوبیت عام و
مقبولیت خاص را توأمان داشته باشد و بعد البته
که این وضعیت همان موهبت الهی است و به هیچ
وجه با سمنی و عمل به دست نخواهد آمد.
دولت آن است که بی خون دل آید به کنار

ساربی است که : هنر باید محبوبیت عام و
مقبولیت خاص را توأمان داشته باشد و بعد البته
که این وضعیت همان موهبت الهی است و به هیچ
وجه با سمنی و عمل به دست نخواهد آمد.
دولت آن است که بی خون دل آید به کنار

سطح گسترده پیدا نمی کند چگونه باید به جایگاه واقعی خود دست پیدا کند؟

استاد احمد ابراهیمی خواننده پیشکسوت و یار گرمابه و گلستان بزرگانی چون ادیب، بنان، خالقی، صبا، یاحقی و... در بخشی از بیان خاطراتش می گفت: یک زمان عده ای از مردم و شنوندگان رادیو بر اعتراض به پخش صدای



آموزش عمومی برای ارتقاء شناخت موسیقایی مردم است. سال های سال است که صاحب نظران به آگاهی بخشی و دادن شناخت درست موسیقی به افراد جامعه تاکید دارند.

به عبارتی دیگر 'فرهنگ عمومی' در بین جوامع بهترین فیلتر و بهترین هادی هنرمندان برای اصلاح و ارتقاء تولیدات هنری آنها به شمار می رود. امروزه اروپائیان به ویژه کشورهایی که موسیقی در آنجا از نیازهای اولیه فرهنگی است و اصولاً 'موسیقی' بخش مهمی از تاریخ فرهنگی شان را اشغال می کند به شناختی عمیق از موسیقی دست یافته اند و هر شنونده عادی به قدرت تشخیص و تمیزی واقع بینانه دست یافته به طوری که بی نیاز از تائید کارشناسان موسیقی، در تشویق و ترغیب آثار هنری نقشی بسیار مهم و اساسی ایفا می کنند.

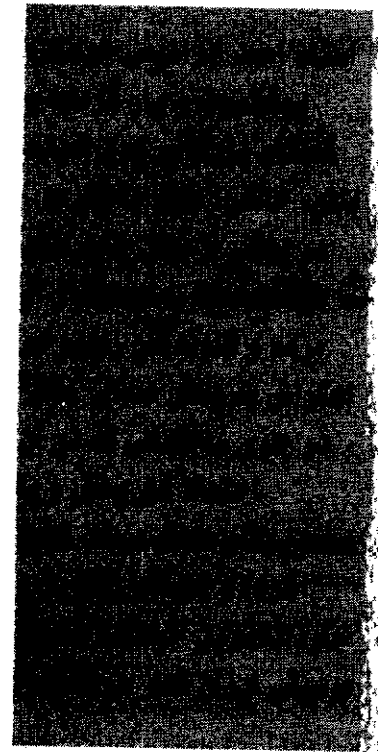
اما در جوامع توسعه نیافته و کشورهای که در مؤلفه های فرهنگی به ویژه شناخت موسیقی دچار فقر و ناآگاهی هستند چگونه باید با معضلاتی که به نمونه هایی از آن اشاره شد مقابله کرد؟ چه مکانیزم هایی برای ارتقاء بخشیدن به شناخت عمومی جامعه وجود دارد و از چه راههایی باید از تولید آثار هنری و جدی حمایت کرد و جلوی تکثیر و توزیع آثار شبه هنری را گرفت؟

اصولاً خاستگاه ممیزی و تشکیل حوزه های نظارتی، از همین مساله نشأت گرفته است.

'بنان' در جلوی ساختمانی که در آن احتمالاً کار پخش و یا صفحه پرکنی انجام می شد تجمع کرده و علیه بزرگترین و جاودانه ترین خواننده تاریخ موسیقی ایران شعار می دادند؟

اگر چه بنان به علت محدودیت در وسعت صدا و ساختمان فیزیکی حنجره به ظاهر برای محدودیتی در دایره های بالای تولید صدا بود اما لحظه لحظه اجرای آواز او لحظه های 'هنر' و آئینی بود که باید بنده طلعت آن بود. نه بروز مخالفت با پخش این صدای مضمحلین و دلنشین ره بهر جایی پرودنه آن استقبال گسترده از برخی خواننده های کوچک و بزرگی دوام و استمرار یافت. پس دوباره باید به این نکته بازگشت که معیار کدام است؟ استقبال مردمی یا تأیید خواص؟ و یا اگر هر دو این خواص چگونه باید جلوی اعمال سلیقه شان را بگیرند؟

یکی از بحث های عمیق و راهبردی، تعلیم و



جلوگیری از تولید آثار غیر هنری، سخیف، تشویق و تصدیق آثار هنری... اما تا چه حد این ممیزی با واقعیات جامعه و کمک به ارتقاء هنری و جهت دهی به هنرمندان و تصحیح و اصلاح ذائقه عمومی موفق بوده است جای بحث و بررسی فراوان دارد که امیدواریم در آینده به طور میسوط به آن بپردازیم.

